



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقهات

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴، ص ۸۱ تا ۱۰۰



تحلیل الگوی بیمه تکافل مبتنی بر مشارکت از منظر فقه امامیه و عامه

مهدی رحمانی منشادی ^{id} دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، طلبه درس خارج حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

محمد مهدی عزیز اللهی ^{id} عضو هیات علمی گروه حقوق خصوصی دانشگاه دولتی قم، استادیار

محمود حکمت نیا ^{id} استاد گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ابراهیم عبدی پور فرد ^{id} عضو هیات علمی گروه حقوق خصوصی دانشگاه دولتی قم، استاد پایه ۳۳

areyo62@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

بیمه، هرچند سابقه تاریخی طولانی دارد، اما به‌عنوان یک نهاد کاربردی و گسترده، در قرون اخیر رواج یافته است. پس از ورود بیمه به کشورهای اسلامی، مباحث فقهی مرتبط با آن در میان فقهای اسلامی مطرح گردید. اکثریت فقهای شیعه بیمه را به‌عنوان عقدی مستقل و صحیح پذیرفته‌اند؛ هرچند گروهی از آنان برای صحت آن، انعقاد تحت عناوینی مانند هبه، صلح یا ضمان را ضروری می‌دانند. این دیدگاه که در فقه شیعه اقلیت است، در فقه اهل سنت به‌عنوان نظر اکثریت شناخته می‌شود. حقوق‌دانان اسلامی نیز با توجه به ماهیت بیمه، عقدهای مختلفی را برای تبیین بیمه اسلامی پیشنهاد کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «عقد شرکت» است. در میان فقهای شیعه، امام خمینی نخستین فقیهی بود که بحث از انعقاد بیمه را به‌طور تفصیلی تحت عنوان شرکت مطرح نمود. از آنجا که بیمه به‌عنوان یک عقد حقوقی فعالیت می‌کند، باید نحوه عملیات و توجیه عملیاتی آن نیز بر اساس همان عقود تعریف و تبیین شود و صرف تغییر عنوان نمی‌تواند به صحت آن بینجامد. بنابراین، با توجه به نظرات فقها در مورد شرکت‌های مختلف، در این پژوهش به ذکر الگوهای گوناگون پرداخته شده است. کلیدواژه: بیمه، تکافل، الگو، شرکت عنان، شرکت وجوه، شرکت معاوضه.

مقدمه

مقاله حاضر با هدف تحلیل جامع الگوی «شرکت» در بیمه اسلامی (تکافل) به نگارش درآمده است. با وجود اینکه الگوی شرکت یکی از ظرفیت‌های بالقوه و مهم در تبیین فقهی نهاد بیمه اسلامی به شمار می‌رود، در ادبیات علمی موجود، به‌ویژه در مقالات پژوهشی، به‌نحو مقتضی مورد واکاوی قرار نگرفته است. عمده پژوهش‌ها یا به‌صورت اجمالی از آن عبور کرده‌اند یا تنها به اشاره‌ای گذرا بسنده نموده‌اند. به‌عنوان نمونه، عبدالمالکی و کریمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تنها به معرفی دو الگوی پیشنهادی از سوی برخی فقهای معاصر اکتفا کرده‌اند، بدون آنکه به بسط ابعاد فقهی-حقوقی الگوی شرکت پردازند. همچنین جلیلی (۱۳۹۳) و جلالی لواسانی (۱۳۹۸) نیز صرفاً به نقل و تکرار نظرات موجود پرداخته و تحلیل مستقلی در این زمینه ارائه نداده‌اند. از سوی دیگر، اگرچه صالحی (۱۳۹۴) در اثر خود ورود عمیق‌تری به بحث بیمه اسلامی داشته و به برخی جنبه‌های فقهی الگوی شرکت نیز اشاره کرده است، اما بررسی وی فاقد تبیین دقیق در خصوص نوع شرکت قابل انطباق با تکافل بوده و از تحلیل تطبیقی میان انواع عقود شرکت (مانند شرکت عنان، وجوه، یا معاوضه) بازمانده است.

همچنین، یکی از خلأهای مهم در ادبیات موجود، عدم اشاره به دیدگاه‌های مراجع فقهی موافق با انعقاد بیمه در قالب عقد شرکت است. این در حالی است که برای اعتبارسنجی هر الگو در چارچوب فقه اسلامی، شناسایی مبانی و پشتوانه‌های فقهی آن، به‌ویژه در نزد فقهای معاصر، ضرورتی انکارناپذیر است. ازاین‌رو، مقاله حاضر با هدف رفع این خلأ علمی، بر آن است تا با بررسی دقیق مبانی فقهی و حقوقی، به تحلیل تفصیلی الگوی شرکت در تکافل پردازد. در این مسیر، تلاش شده است تا به پرسش‌های بنیادینی که تاکنون پاسخ روشنی برای آن‌ها ارائه نشده است، پاسخی مستند و روشمند داده شود؛ از جمله این پرسش‌ها آن است که در میان انواع شرکت‌های مطرح در فقه، کدام یک (عنان، وجوه، معاوضه) با ماهیت و ساختار بیمه اسلامی سازگاری بیشتری دارد؟ همچنین در این مقاله بررسی شده است که کدام یک از این انواع، مورد حمایت اکثریت فقهای موافق با الگوی شرکت بوده و قابلیت اجرایی بیشتری دارد. علاوه بر این، مقاله به بررسی تطبیقی میان انواع شرکت و گونه‌های مختلف تکافل (مانند تکافل عمومی و تکافل خانواده) پرداخته و تلاش کرده است مشخص سازد که هر یک از این انواع، با کدام نوع شرکت فقهی هماهنگی بیشتری دارند.

۱. مفهوم تکافل

تکافل اصطلاحی است که در نظام‌های بیمه‌ای اسلامی به کار می‌رود و ریشه در اصول تعاونی و مشارکتی دارد که بر مبنای آموزه‌های دینی اسلام استوار شده است. این واژه از کلمه عربی «کفالة» (اعتصامی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۳؛ حبیبی، ۱۴۰۲: ۱۷۳؛ پریزاد و شکوری، ۱۴۰۰: ۵۱؛ جمشیدی و طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ عسکری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۷؛ ویسی، ۱۳۹۸: ۳۶) مصدر مشتق و از باب تفاعل (سجادی، ۱۴۰۱: ۷) از ریشه «کفل» است (جلیلی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ کیخا فرزانه، ۱۳۹۱: ۴۷؛ جوادی‌پور و همکاران، بی‌تا: ۸؛ جمشیدی و طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ همتی، حسنی و طاهری، ۱۴۰۰: ۶۸؛ کیخا فرزانه، ۱۳۹۴: ۱۳۲؛ انصاری، ۱۳۷۹: ۲)



۵۷۲؛ امیرپور، ۱۳۹۵: ۱۳).

تکافل هم معنا با تأمین اجتماعی و همیاری عمومی (جلیلی، ۱۳۹۳: ۱۴؛ محمدی مهر، ۱۳۸۵: ۱۰۰) و به معنای ضمانت (جلیلی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ سجادی، ۱۴۰۱: ۷)، تضمین مشترک (جمشیدی و طغیانی دولت آبادی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ ناطق گلستان و غیور باغبانی، ۱۳۸۷: ۱۸۶؛ میرزایی و میرزاخانی، ۱۳۸۴: ۳۲)، تضمین یکدیگر (رضوی اقدم، ۱۳۸۶: ۴)، ضمان مشترک (اعتصامی و شریفزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۳؛ حبیبی، ۱۴۰۲: ۱۷۳؛ پریرزاد و شکوری، ۱۴۰۰: ۵۱؛ تفرشی، کاظمی و الهی، ۱۳۹۶: ۵۲؛ جعفر، ۲۰۰۷: ۸۸؛ آرچر، ۲۰۰۹: ۶؛ سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۹؛ عتیق الظفیر خان، ۲۰۰۵: ۱۰؛ فضلی یوسف، ۲۰۰۱: ۲)، ضمانت طرفینی و مسئولیت مشترک (صلاح الدین، ۲۰۰۶: ۵۱۲)، کمک متقابل میان گروهی (جوادی پور و همکاران، بی تا: ۱۱؛ جمشیدی و طغیانی دولت آبادی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ ناطق گلستان و غیور باغبانی، ۱۳۸۷: ۱۸۶؛ نوراطه، ۲۰۰۲: ۳۲) و مساعدت و کمک (جمشیدی و طغیانی دولت آبادی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ ناطق گلستان و غیور باغبانی، ۱۳۸۷: ۱۸۶؛ الخیاط، ۱۳۹۲: ۷۲) به کار رفته است.

در کتاب «المنجد» آمده است که «تکافل القوم» یعنی افراد آن قوم ضامن یکدیگر شدند و تکافل به معنای ضمانت متقابل است (حبیبی، ۱۴۰۲: ۱۷۳؛ پریرزاد و شکوری، ۱۴۰۰: ۵۱؛ ناطق گلستان و غیور باغبانی، ۱۳۸۷: ۱۸۶؛ ویسی، ۱۳۹۸: ۳۶؛ معلوف، ۱۳۸۰: ۳۸۶/۲). بنابراین، تکافل به معنای تضمین متقابل (معصوم بالله، ۱۳۸۹: ۶۰؛ عسکری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۷)، ضمانت و حمایت متقابل (رضوی اقدم، ۱۳۸۶: ۸) و ضمانت متقابل و مسئولیت مشترک (صلاح الدین، ۲۰۰۶: ۵۱۲؛ آقامهدوی، گیوی و کاوند، ۱۳۸۸: ۱۲۵) است و به معنای تعهد جمعی اعضا برای محافظت در برابر خطرات و زیان‌های مالی است.

از منظر فقه اسلامی، تأمین حمایت‌های مالی به‌گونه‌ای که با قواعد دینی همخوانی داشته باشد، اهمیت بالایی دارد. تکافل به‌عنوان یک مفهوم بیمه‌ای، روشی برای پوشش ریسک‌های مالی است که در آن افراد با مشارکت یکدیگر و جمع‌آوری منابع مالی، برای حمایت متقابل در زمان وقوع خسارت‌ها همکاری می‌کنند. نظام تکافل بر اساس مبنای تعاون بنا شده و اصول آن به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که مطابق با فقه اسلامی باشد. اعضای شرکت یا صندوق تکافل به‌صورت داوطلبانه در تأمین منابع مالی مشارکت می‌کنند تا در هنگام بروز رویدادهای ناگوار، خسارت‌های وارد شده به هر عضو از منابع مشترک جبران شود.

از دیدگاه فقهای اهل سنت، تکافل به‌عنوان یکی از جایگزین‌های بیمه مطرح است که امروزه توسط بسیاری از فعالان بیمه اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا بیمه زمانی در چارچوب شریعت قابل قبول خواهد بود که با هدف حمایت از افراد در برابر خطرات مشخص، بر اساس اصول شریعت مانند مسئولیت مشترک، همکاری متقابل و توافق جمعی شکل گرفته باشد (شاگرد، ۱۹۷۷: ۵). از منظر تخصصی اقتصاد، تکافل به معنای تضمین و حمایت متقابل میان اعضای یک گروه یا جامعه در مقابل خطرات مشخص یا حوادث ناگواری است که ممکن است به زندگی، دارایی‌ها یا هر چیزی که برای اعضای آن جامعه ارزشمند است، وارد شود. بر این اساس، تکافل را می‌توان به‌عنوان نوعی بیمه مشارکتی دانست (کیخا فرزانه، ۱۳۹۱: ۴۷؛

معصوم‌بالله، ۱۳۸۹: ۶۰؛ برگرفته از مصاحبه‌ای با احمد مظلان ذوالکفلی، مشاور تکافل در BIRT (مالزی). از نظر ماهوی، تکافل به مجموعه‌ای از قراردادهای و توافقات داوطلبانه میان اعضا گفته می‌شود که با هدف ایجاد حمایت مالی جمعی و تقسیم ریسک‌ها شکل گرفته است. این نظام به‌گونه‌ای طراحی شده است که همه اعضا در خطرات و منافع ناشی از این همکاری سهیم باشند. قراردادهای مختلفی برای تکافل بیان شده است که از جمله آن‌ها عقد شرکت است.

۲. الگوی شرکت

در ساختار مشارکت، هر یک از طرفین قرارداد، یعنی بیمه‌گر و اعضای صندوق تکافل، به‌عنوان شرکای سرمایه‌تلقی می‌شوند. فرآیندهای تخصصی سرمایه‌گذاری به‌وسیله کارشناسان و مدیران متصدی تکافل انجام می‌شود که در مقابل خدمات ارائه‌شده، حق الزحمه مشخصی دریافت می‌دارند. درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری به تناسب سهم‌الشرکه توافق‌شده میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار تقسیم می‌شود و زیان‌های واردشده نیز متناسب با نسبت سرمایه‌گذاری یا به‌نحوی که در قرارداد معین شده، بین طرفین تقسیم خواهد شد (نیازی‌توند، ۱۳۹۴: ۵۷). امام خمینی، آیت‌الله حسین مظاهری و آیت‌الله میرزا یدالله دوزدوزانی تبریزی موافق با انعقاد بیمه تحت عنوان عقد شرکت هستند (آزادبخت و رشکوئی‌جیدی، ۱۴۰۳: ۳۶۸).

۲.۱. شرکت مدنی یا تجاری

در کشور ما طبق ماده ۳۱ «قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری» مصوب ۱۳۵۰، فعالیت بیمه‌گری باید از طریق شرکت‌های سهامی عام ایرانی انجام شود. طبق ماده ۲ لایحه اصلاحیه قانون تجارت، شرکت سهامی شرکتی است بازرگانی (تجاری) ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد؛ اگرچه طبق بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت، عملیات بیمه اعم از بحری و غیربحری عملیاتی تجاری است. این مواد الزامی بودن فعالیت بیمه‌گری از طریق شرکت‌های سهامی عام ایرانی را به‌وضوح بیان می‌کند و دلالت دارد که بیمه یک معامله تجاری ذاتی است. پس قطعاً در کشور ما بیمه از طریق شرکت‌های تجاری می‌تواند انجام شود. بنابراین، بیمه در هر صورت تابع مقررات شرکت‌های سهامی تجاری است. تصمیمات توسط هیئت‌مدیره اتخاذ می‌شود و وجود مدیرعامل الزامی است و امور توسط او اجرایی می‌شود.

اگر گفته شود بیمه تکافل از طریق عقد مشارکت می‌تواند انجام شود، ممکن است در اینجا تضادهایی بین مقررات شرکت تجاری و احکام شرکت مدنی وجود داشته باشد. در شرکت مدنی شرکا هر وقت بخواهند می‌توانند عقد شرکت را برهم بزنند و همچنین تصمیمات در آن باید با اتفاق آرا اتخاذ شود، درحالی‌که در شرکت‌های تجاری، مگر در مواردی، نیاز به موافقت همه نیست. البته امکان رفع اشکال وجود دارد؛ بدین‌گونه که در طرف مخالف، برخی فقهای امامیه و سه مذهب از اهل تسنن عقیده بر لازم بودن عقد شرکت دارند و در شرکت مدنی هم امکان انتخاب مدیر است. چون در الگوهای تکافل، شرکت به‌وسیله سهام‌داران خویش علاوه بر شرکای تکافل سرمایه می‌آورد، شرکت عنان خواهد شد که از لحاظ فقه امامیه صحیح است. ولی اگر متکافلین سرمایه بیاورند و شرکت قرار باشد با این سرمایه کار کند و هیچ سرمایه‌ای نیاورد، این دیگر



شرکت نیست و مضاربه است. علاوه بر آن، در شرکت، افراد می‌توانند اموال خود را به گونه‌ای مخلوط کنند که قابل تشخیص از هم نباشد، در حالی که در الگوی مضاربه اینکه مضارب بیاید و جوه چند نفر را با هم مخلوط کند و یک سرمایه تشکیل دهد و تجارت کند، شاید داخل در اذن مضارب نباشد؛ چون شاید اگر واقف به این امر بود، به چنین کاری اقدام نمی‌کرد.

۲.۲. مدل‌های مختلف برای الگوی شرکت

شرکت عنان: بر اساس الگوی شرکت عنان در نظام بیمه تکافل، هر یک از مشارکت‌کنندگان با پرداخت مبالغی مشخص به عامل تکافل، در واقع وارد نوعی شراکت مدنی با یکدیگر می‌شوند. هر مشارکت‌کننده به میزان آورده مالی خود، در حقوق و تعهدات شرکت سهم خواهد بود. در قالب این قرارداد، طرفین توافق می‌کنند که عامل (مدیر صندوق) سرمایه‌های جمع‌آوری شده را در فعالیت‌های تجاری مشروع و سودآور به کار گیرد و سود یا زیان حاصل از این فعالیت‌ها به نسبت سهم هر یک از شرکا میان ایشان تقسیم شود. علاوه بر این، مشارکت‌کنندگان متعهد می‌شوند که در صورت وقوع حادثه یا خسارت برای هر یک از اعضا، بخشی از منافع حاصل از سرمایه‌گذاری یا بخشی از اصل سرمایه (که در صندوق ویژه‌ای تحت عنوان «صندوق تکافل» نگهداری می‌شود) برای جبران خسارت وی اختصاص یابد. به این ترتیب، بخشی از جوه پرداختی به عنوان پشتوانه حمایتی و بخش دیگر برای سرمایه‌گذاری تخصیص می‌یابد. سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها، پس از کسر هزینه‌های اداری، اجرایی و حق‌العمل عامل، به نسبت سهم هر یک از مشارکت‌کنندگان میان آنان توزیع می‌گردد. این ساختار، ضمن رعایت اصول فقهی، مشارکت واقعی و مسئولیت‌پذیرانه‌ای را میان افراد شکل می‌دهد که می‌تواند جایگزین مناسبی برای نظام‌های بیمه‌ای متعارف در چارچوب شریعت اسلامی باشد.

تکافل خانواده بر طبق این مدل: در ساختار تکافل خانواده، منابع مالی لازم جهت فعالیت شرکت از دو مسیر تأمین می‌گردد: نخست، سرمایه‌ای که توسط تکافل‌شوندگان به منظور برخورداری از پوشش‌های بیمه‌ای در اختیار شرکت قرار می‌گیرد و دوم، سرمایه‌ای که از سوی سهام‌داران برای مشارکت در سودآوری تجاری شرکت تزریق می‌شود. هیئت اجرایی یا متصدیان تکافل، این سرمایه‌ها را مطابق با نسبت‌های از پیش تعیین شده، در حساب‌هایی همچون حساب مشارکت در دارایی‌ها (PA) یا حساب ویژه مشارکت در سرمایه‌گذاری (PSA) تخصیص داده و برای اهداف مشروع و سودآور شرکت به کار می‌گیرند. فعالیت‌های اقتصادی انجام شده با این منابع، منجر به تحقق سود می‌گردد که مطابق توافقات پیشینی، میان طرفین بر اساس نسبت‌های مشارکتی تعیین شده توزیع می‌شود. در این ساختار، همان‌گونه که یکی از طرفین متعهد به پرداخت سود ثابت نمی‌گردد و توزیع سود مبتنی بر سهم مشاع از منافع واقعی است، مبنای عملکرد نظام با اصول فقهی و موازین شرعی در تطابق کامل قرار دارد. در واقع، فارغ از شکل حقوقی و نام‌گذاری حساب‌ها، ماهیت عملکرد مبتنی بر اصل مشارکت در سود و زیان و اجتناب از هرگونه تعیین سود قطعی برای یکی از طرفین است؛ امری که تطابق آن با قواعد شرعی از منظر فقهای اقتصادی قابل تأیید است. همچنین، گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی شرکت تکافل خانواده، مادامی که در چارچوب موازین شرعی باقی بماند، امکان‌پذیر خواهد بود و محدودیتی از این حیث وجود

ندارد. بدین ترتیب، این الگوزمینۀ مناسبی برای توسعه فعالیت‌های سودآور متنوع در بخش‌های مختلف اقتصادی، با رعایت اصول شریعت اسلامی فراهم می‌سازد (آقامهدوی، اسماعیلی‌گیوی و کاوند، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

صحت شرکت عنان: در میان تمام مذاهب اسلام، نام شرکت عنان به چشم می‌خورد. در فقه امامیه و شافعی، شرکت به چهار قسم اصلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: شرکت عنان، شرکت ابدان، شرکت مفاوضه و شرکت وجوه (ابن‌زهره حلبی، ۱۳۷۵: ۲۶۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۴۹/۷؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۴: ۳۲/۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰: ۵۲۳/۲؛ جلیلی، فصیحی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۲). اما حنبلی‌ها تقسیم‌بندی متفاوتی دارند و شرکت را به دو نوع کلی «شرکت در مال» و «شرکت در عقود» تقسیم می‌کنند؛ همچنین شرکت در عقود را به پنج قسم شامل شرکت عنان، شرکت ابدان، شرکت مفاوضه، شرکت وجوه و شرکت مضاربه تقسیم می‌نمایند (جزیری، ۷۵/۳). از سوی دیگر، در فقه حنفی، شرکت به دو دسته شرکت ملک و شرکت عقود تقسیم می‌شود؛ شرکت ملک خود به دو نوع شرکت جبر و شرکت اختیار تقسیم می‌گردد و شرکت عقود نیز در سه قسم شرکت در مال، شرکت در اعمال و شرکت وجوه دسته‌بندی می‌شود. در فقه مالکی نیز شرکت به دو نوع شرکت‌های غیر مشهور و شرکت‌های مشهور تقسیم شده است؛ شرکت‌های غیر مشهور شامل شرکت ارث، شرکت غنیمت و شرکت خریداری مشترک می‌باشند و شرکت‌های مشهور نیز به انواع مختلفی نظیر شرکت مفاوضه، عنان، جبر، عمل و وجوه تقسیم می‌شوند (فلاح، ۱۳۸۶: ۱۱۱؛ صالحی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۴).

در شرکت عنان چند شریک سرمایه‌های خود را با هدف انجام فعالیت‌های تجاری تجمیع می‌کنند و سود حاصل از این فعالیت‌ها میان آنان تقسیم می‌گردد. در این ساختار، تساوی در میزان سرمایه، دخالت در اداره شرکت یا حتی تساوی در سهم سود، شرط صحت عقد شرکت محسوب نمی‌شود. بنابراین، ممکن است یکی از شرکا سرمایه بیشتری وارد کند یا صرفاً یک نفر مدیریت و تصرف در امور شرکت را بر عهده داشته باشد و در عین حال، طرفین بنا بر توافق قبلی، سهم یکسان یا متفاوتی از سود را دریافت نمایند. با این حال، در صورت بروز زیان، تقسیم آن به نسبت سرمایه اولیه هر یک از شرکا صورت می‌گیرد و تمامی شرکا، متناسب با میزان مشارکت مالی خود، در تحمل ضرر مسئول خواهند بود (عاشور، ابراهیم، بی‌تا: ۱۸۲/۲-۱۸۳). تمامی فقهای اسلام و حقوق‌دانان بر صحت و اعتبار شرکت عنان اتفاق نظر دارند و آن را نوعی قرارداد مشروع می‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵۸/۲۱؛ رافعی قزوینی، ۱۴۲۶: ۱۹۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۱۰/۱؛ حائری‌شاه‌باغ، ۱۳۷۶: ۵۱۹/۱؛ جلیلی، فصیحی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۲). مرحوم صاحب‌جواهر در جلد ۲۶ «جواهرالکلام» ادعای عدم خلاف کرده و حتی گفته شده است در این مورد اجماع منقول و محصل وجود دارد (نجفی، ۲۹۸/۲۶). حتی در فقه شیعه که به نظر بعضی (از جمله مرتضی‌ترابی در درس خارج خویش و طباطبایی یزدی در «عروة الوثقی») فقط یک شرکت عقدی را قبول دارد، شرکت عنان آن شرکت مورد قبول است (ترابی، ۱۴۰۱؛ طباطبایی یزدی، ۲۷۳/۵).



۲.۳. موانع شرکت عنان

در میان فقهای امامیه درباره امکان شراکت در دیون در قالب شرکت عنان، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان نمونه، سید محمدکاظم طباطبایی در «عروة الوثقی»، شرکت در منافع را نپذیرفته و تحقق شرکت را صرفاً در مورد اموالی که دارای عین خارجی هستند، جایز دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۲۷۳/۵). همچنین، مرحوم سید ابوالقاسم خویی نیز در «مبانی عروة الوثقی» بر این نکته تأکید کرده‌اند که شرکت تنها در اعیان امکان‌پذیر است و شرکت در منافع را از مصادیق «دین در برابر دین» دانسته‌اند که از منظر ایشان با اشکال شرعی مواجه است (خویی، ۲۴۲/۱). با این حال، نظر دیگری نیز در میان فقهای معاصر وجود دارد و از جمله استاد عباسی خراسانی در درس خارج فقه خود، صحت این نوع شرکت را پذیرفته‌اند (عباسی خراسانی، ۱۴۰۰).

ثمره عملی این اختلاف نظر در مباحثی همچون بیمه‌های اسلامی (تکافل) آشکار می‌شود. در برخی مدل‌های تکافل، پرداخت حق بیمه به‌صورت اقساطی انجام می‌گیرد. بر این اساس، اگر قائل به بطلان شرکت عنان در دیون باشیم، بنیاد حقوقی عقد شرکت در الگوی تکافل دچار چالش خواهد شد. برای رفع این اشکال می‌توان تفکیکی بدین صورت ارائه داد: آنچه در شرکت عنان ممنوع تلقی شده، ورود دیونی است که اشخاص از پیش نسبت به اشخاص ثالث داشته و قصد دارند آن را به‌عنوان سرمایه شرکت در نظر گیرند؛ اما نمی‌توان گفت که افزایش تدریجی سرمایه در طول مدت شراکت، به‌ویژه با پرداخت اقساط توسط شرکا، ممنوع باشد؛ چرا که چنین پرداخت‌هایی را می‌توان نوعی تزریق تدریجی سرمایه (نه شراکت در دیون گذشته) تلقی کرد. مانع دیگر این است که عقد شرکت نزد برخی فقهای امامیه عقدی جایز است. این مانع را بدین‌گونه می‌توان برطرف کرد که عقد شرکت را ضمن عقد لازمی منعقد کرد؛ در این صورت دیگر شرکا نمی‌توانند هر وقت خواستند عقد شرکت را برهم بزنند.

۳. شرکت مفوضه

شرکت مفوضه در فقه اسلامی نوعی از شرکت است که مبتنی بر تفویض کامل اختیارات مالی، تصرف، سرمایه‌گذاری و حتی تعهد در خسارات میان شرکا است. در این نوع از شرکت، طرفین تعهد می‌کنند که هر درآمدی که کسب می‌شود، مشترک باشد. هر زبانی که پیش آید، هر چند توسط یکی از شرکا باشد، بر عهده همه است. حتی مالی که در آینده به‌دست می‌آید (مثل ارث یا هدیه)، به شرکت وارد می‌شود. همه شرکا حق تصرف در مال شرکت دارند.

برخلاف تصویری که این خصوصیات را مانعی برای تطبیق با تکافل می‌داند، می‌توان گفت تکافل دقیقاً بر همین مبنا شکل می‌گیرد: مشارکت‌کنندگان از ابتدا توافق می‌کنند که بخشی از اموال خود را وارد یک شراکت جمعی کنند؛ در صورت بروز خسارت برای یکی از اعضا، دیگران در پرداخت آن شریک‌اند. از این وجوه هم برای جبران خسارت و هم برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. آنچه شرکت‌کننده در آینده وارد صندوق می‌کند (اقساط آتی) نیز در تملک شرکت خواهد بود. بنابراین، اگر شرکت مفوضه را نه به‌صورت سنتی مطلق، بلکه به‌صورت محدود و با اهداف معین (شرط ضمن عقد) طراحی کنیم، کاملاً می‌توان آن را مبنای فقهی قابل قبولی برای نظام تکافل دانست.

بنابراین در این مدل، ساختار بیمه تکافل بر مبنای شرکت مفاوضه، با اعمال شروط و محدودیت‌های خاص طراحی می‌شود تا با اهداف حمایتی و سرمایه‌گذاری نظام تکافل هماهنگ گردد. در این قالب، اصول فقهی شرکت مفاوضه به‌گونه‌ای به‌کار گرفته می‌شوند که ضمن حفظ مشروعیت شرعی، کارایی اقتصادی و عدالت قراردادی نیز تأمین گردد.

در گام نخست، کلیه مشارکت‌کنندگان با انعقاد عقد شرکت مفاوضه، وارد یک شراکت جمعی می‌شوند؛ با این تفاوت که در متن قرارداد، با درج شروطی خاص، محدوده شراکت تعریف و تحدید می‌گردد. بر این اساس، اولاً شراکت صرفاً شامل سرمایه‌های نقدی پرداخت‌شده و درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری می‌گردد و سایر اموال شخصی یا حقوق آینده خارج از محدوده شرکت قرار می‌گیرند. ثانیاً شرط می‌شود که بخشی از سرمایه شرکت به‌منظور جبران خسارت اعضا اختصاص یابد و بخش دیگر برای سرمایه‌گذاری‌های مشروع و سودآور استفاده شود.

در این الگو، صندوق تکافل ماهیت یک شرکت مفاوضه را دارد که کلیه اعضا در آن شریک محسوب می‌شوند. یک مدیر (عامل)، با موافقت شرکا و به نیابت از ایشان، مسئول اداره صندوق، سرمایه‌گذاری وجوه و پرداخت خسارت به اعضای متضرر خواهد بود. در صورت وقوع حادثه یا خسارت برای یکی از شرکا، مسئولیت جبران آن بر عهده خود شرکت است، نه عامل به‌تنهایی. همچنین، چنانچه موجودی صندوق برای جبران کامل خسارت کفایت نکند، شرکت (با استناد به مفاد عقد مفاوضه) مجاز خواهد بود از سایر منابع یا آورده‌های آتی اعضا استفاده کند، مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد. سود حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، پس از کسر هزینه‌های اداری و مدیریتی، بر مبنای سهم هر شریک از سرمایه، میان اعضا تقسیم می‌شود. در خصوص زیان، اعم از زیان ناشی از کاهش ارزش سرمایه‌گذاری یا خسارت‌های پرداخت‌شده به سایر اعضا، تقسیم زیان بر اساس نسبت سرمایه اولیه یا بر پایه توافق خاص میان مشارکت‌کنندگان انجام خواهد گرفت.

در این ساختار، شرکت مفاوضه دارای ماهیت تضامنی شروط و هدفمند است؛ به این معنا که شرکا مسئولیت جبران خسارت‌ها را به‌طور جمعی و در حدود توافق‌شده بر عهده دارند، اما این مسئولیت محدود به منابع شرکت و شروط قراردادی خواهد بود. بنابراین، برخلاف شرکت‌های مفاوضه سنتی که دارای مسئولیت مطلق هستند، در این مدل تکافلی، مسئولیت‌ها با هدف خاص پوشش ریسک تنظیم شده و محدود به تعهدات مصرح در قرارداد است.

۳.۱. نظر فقها درباره شرکت مفاوضه

استاد عباسی خراسانی شراکت مفاوضه را صحیح می‌داند و نظرشان این است که شرکت‌های بیمه، یکی از پایه‌های اصلی صحتشان مبتنی بر همین موضوع است. اگر شرکت مفاوضه را نپذیریم، در واقع تمام شرکت‌های بیمه از نظر شرعی دچار اشکال می‌شوند. به‌طور خلاصه اینکه بیمه به‌عنوان یک شرط ابتدایی مطرح شده، صحت این ادعا نیازمند بررسی و تأمل است؛ ولی به‌عنوان شرکت و قرارداد است و قراردادها بر اساس ظواهر خود تعهداتی ایجاد می‌کنند؛ بنابراین حتی اگر درآمدها دچار نوسان شوند، اشکالی ایجاد نمی‌شود (عباسی



خراسانی، ۱۴۰۱، پایگاه مدرسه فقاہت).

به نقل شیخ طوسی، ابوحنیفه معتقد است که شرکت مفاوضه به شرط فراهم بودن شرایط لازم و نبودن هیچ‌گونه مشکل، از نظر شرعی صحیح است. زمانی که سرمایه شرکا برابر باشد و هر یک درآمدی مساوی دیگری دریافت کند، شرکت به‌طور کامل معتبر و صحیح خواهد بود (شیخ طوسی، ۳/۳۲۹). بسیاری از فقهای مذهب حنفی و مالکی حکم به صحت شرکت مفاوضه داده‌اند (موسی، ۱۴۰۵: ۳۳۰؛ ریمی، ۱۴۱۹: ۱۲؛ جلیلی، فصیحی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۵).

ولی در طرف مقابل در شیعه، امام خمینی در جلد اول «تحریرالوسیله» (خمینی، ۱/۶۲۴) و شهید ثانی در «مسالک‌الافهام» گفته‌اند باطل است (شهید ثانی، ۴/۳۰۹). حکیم در «مستمسک عروة الوثقی» (۱۴۰۴: ۱۵/۱۳) و عده‌ای از فقهای نیز گفته‌اند نظر مشهور فقها همین است (خمینی، ۱۳۷۴: ۱/۶۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶/۲۹۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۳/۴۰۳). حتی علامه حلی در «مفتاح‌الکرامه»، خمینی در «تحریرالوسیله» و نجفی و حکیم ادعای اجماع نموده‌اند (خمینی، ۱۳۷۴: ۱/۶۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶/۲۹۸؛ حکیم، ۱۴۰۴: ۱۳/۱۶). آقای عباسی خراسانی گفته است بنا بر نقل صاحب «مفتاح‌الکرامه»، در کتاب‌های «السرائر»، «الإيضاح»، «شرح‌الإرشاد» (کتاب‌های پسر صاحب مفتاح‌الکرامه)، «المهذب‌البارع»، «التنقیح» و «جامع‌المقاصد» حکم بطلان شرکت مفاوضه آمده است و همچنین در کتاب‌های «تذکره»، «الروضة»، «ایضاح‌النافع»، «مبسوط» و «مسالک» این حکم بطلان آمده است (عباسی خراسانی، پایگاه مدرسه فقاہت، ۱۴۰۱).

در میان شافعیه، ابن‌رفعه در «کفایة النبیة» (ابن‌رفعه، ۲۰۰۹: ۱۰/۱۸۱)، زحیلی در «الفقه الإسلامي و أدلته» (زحیلی، ۱۴۰۵: ۴/۸۰۰) و نووی در «المجموع شرح‌المهذب» (نووی، بی‌تا: ۱۴/۷۴) قائل به بطلان شرکت هستند. از حنفیه، رازی در «خلاصة‌الدلائل فی تنقیح‌المسائل» (رازی، ۱۴۲۸: ۱/۴۷۲) قائل به بطلان شرکت است (جلیلی، فصیحی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۵). در میان حقوق‌دانان، بروجردی عبده در «حقوق مدنی» (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۲۹) و گودرزی (گودرزی، ۱۳۹۴: ۹۸) قائل به صحت شرکت مفاوضه هستند، ولی دکتر کاتوزیان در جلد یک «درس‌هایی از عقود معین» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱/۳۱۰) و دکتر جعفری لنگرودی در «دایرة‌المعارف عمومی حقوق (الفارق)» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۸۸۲) قائل به بطلان این شرکت هستند.

۴. شرکت وجوه

شرکت وجوه که شرکت مفاليس و ذمه‌ای نیز به آن گویند (زحیلی، ۱۴۰۵: ۸۱۰)، دارای سه حالت و تعریف است. بر اساس نظر مشهور، شرکت وجوه عقدی است که به موجب آن دو طرف متعهد می‌شوند با بهره‌گیری از شهرت و اعتبار طرفین، کالایی را به قصد فروش به صورت نسیه تهیه نمایند و پس از پرداخت ثمن، در سود حاصل به‌نحو مشاع شریک شوند (مقدس اردبیلی: ۱۹۲؛ صالحی، ۱۳۹۴: ۷۵).

تعریف دوم و دیگری که در برخی از کتب فقهی آمده، این است که شرکت وجوه عقدی است که طی آن یکی از طرفین که از حیث اعتبار و شهرت برخوردار است، تعهد می‌کند مالی

را به صورت نسبه خریداری نماید و طرف دیگر تعهد می‌کند که آن مال را به فروش رساند و پس از پرداخت ثمن، طرفین در سود به صورت مشاع شریک باشند. در تعریف سوم، شرکت وجوه به عنوان عقدی شناخته می‌شود که در آن یکی از طرفین که از حیث شهرت و اعتبار برخوردار است اما فاقد سرمایه مالی می‌باشد، با طرف دیگر که دارای سرمایه مالی است ولی از شهرت و اعتبار لازم برخوردار نیست، قراردادی تنظیم می‌کنند. بر اساس این قرارداد، طرف دوم سرمایه را تأمین کرده و طرف اول با بهره‌گیری از اعتبار و شهرت خود به فعالیت‌های تجاری می‌پردازد و در نهایت سود به دست آمده میان هر دو شریک تقسیم می‌شود (مقدس اردبیلی: ۱۹۳؛ صالحی، ۱۳۹۴: ۷۵). تعریف چهارم مانند تعریف سوم است، با این فرق که سرمایه به شخص دارای اعتبار داده نمی‌شود (نجفی، ۲۹۸/۲۶).

تعریف پنجم: شخصی که دارای وجاهت و اعتبار اجتماعی و مالی است، چیزی را به ذمه خود خریداری می‌کند و سپس فروش آن را به شریک خود که اعتبار اجتماعی ندارد و به او «خامل» گفته می‌شود واگذار می‌کند. در این حالت، هر دو شریک در سود و زیان معامله سهیم خواهند بود. تعریف ششم: شخص وجیه (کسی که اعتبار مالی و حسن شهرت دارد) مال را از شخص خامل (کسی که اعتبار مالی ندارد) دریافت می‌کند و به دلیل اینکه وجیه اعتبار بیشتری دارد، می‌تواند آن مال را در بازار با قیمت بالاتری بفروشد (مکارم شیرازی، درس خارج آیت الله مکارم، ۰۲/۰۸/۹۵).

۴.۱. الگوی تکافل خانواده بر طبق تعریف اول

در این الگو، اعضای شرکت‌کننده در نظام تکافل که به آن‌ها متکافلین اطلاق می‌شود و سهام‌داران، متعهد می‌گردند تا مبالغ مشخصی را به صورت تدریجی و در قالب اقساط منظم به صندوق تکافل پرداخت نمایند. این پرداخت‌ها که به عنوان تعهدات مالی مستمر شناخته می‌شود، بنیان اصلی تشکیل منابع مالی صندوق را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، شرکت‌های بیمه تکافلی با توجه به این تعهدات تدریجی وارد فرآیندهای سرمایه‌گذاری می‌شوند.

شرکت‌های بیمه تکافلی با تکیه بر منابع پیش‌بینی شده حاصل از اقساط متکافلین و سهام‌داران، به صورت فعال در پروژه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مولد به کار می‌گیرند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند شامل حوزه‌هایی مانند ساخت‌وساز، زیرساخت‌های عمومی، طرح‌های انرژی، خدمات مالی و دیگر فعالیت‌های تجاری سودآور باشد که از لحاظ فقهی و شرعی نیز مشروع تلقی می‌شوند. هدف اصلی از این فرآیند، بهره‌برداری از منابع جمعی به منظور ایجاد منافع اقتصادی پایدار و حمایت از اعضا در شرایط بحرانی است.

نکته مهم در این ساختار آن است که در صورت فوت هر یک از اعضای متکافلین، سهم وی از سرمایه باقی مانده و سودهای تحقق یافته (تا پیش از زمان فوت) محاسبه شده و به ذی‌نفعان قانونی یا وراثت وی پرداخت می‌گردد. این ویژگی موجب می‌شود که نظام تکافل علاوه بر ارائه پوشش‌های حمایتی، نقش یک سازوکار مالی شفاف و مشارکتی را ایفا کند که در آن هر عضو نه تنها از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند می‌شود، بلکه در منافع اقتصادی حاصل از مشارکت جمعی نیز



سهیم است. به این ترتیب، نظام تکافل به عنوان یک مدل موفق مالی و اجتماعی، علاوه بر تأمین نیازهای بیمه‌ای، به پایداری اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز کمک می‌کند. از نظر اقتصادی، این الگوی تکافل خانواده موجب تجمع منابع مالی خرد شده و این منابع را به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و سودآور تبدیل می‌کند. پرداخت اقساط منظم از سوی متکافلین و سهام‌داران، ثبات منابع مالی صندوق را تضمین کرده و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را فراهم می‌آورد.

۴.۲. الگوی تکافل خانواده بر طبق تعریف دوم

این مدل مشابه مدل نخست است، با این تفاوت که در این مدل سهام‌دارانی وجود ندارند یا سرمایه‌ای نمی‌آورند و این برای جامعه افرادی مناسب است که می‌خواهند فقط خودشان باشند و نمی‌خواهند سهام‌داران علاوه بر شرکت بیمه در سود آن‌ها شریک باشند.

۴.۳. الگوی تکافل عمومی بر طبق تعریف سوم

در این الگو، شرکت بیمه تکافل که از اعتبار و حسن سابقه مناسبی در بازار برخوردار است، وجوه پرداخت شده توسط متکافلین را جمع‌آوری و مدیریت می‌کند. این وجوه به عنوان سرمایه در اختیار شرکت قرار می‌گیرد تا در حوزه‌های مختلف اقتصادی و مالی، سرمایه‌گذاری‌های مشروع و سودآور انجام شود. هدف از این سرمایه‌گذاری، افزایش ارزش مالی منابع جمع‌آوری شده و تأمین پایداری مالی سیستم تکافل است.

شرکت بیمه پس از دریافت مطالبات خسارت از صندوق سرمایه‌گذاری، مبادرت به پرداخت خسارات به متکافلینی می‌نماید که مشمول جبران خسارت شده‌اند. پس از کسر این هزینه‌ها و پرداخت کامل خسارات مقرر، سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها که در قرارداد میان طرفین (متکافلین و شرکت بیمه) به عنوان شرط ضمن عقد پیش‌بینی شده است، محاسبه و باقی مانده وجوه به نسبت سهم هر یک از طرفین به آن‌ها بازگردانده می‌شود. این الگو تضمین می‌کند که منابع مالی متکافلین به نحو بهینه و با رعایت اصول شفافیت و عدالت مدیریت شده و ضمن تأمین امنیت مالی اعضا، از افزایش سرمایه و بازده اقتصادی نیز بهره‌مند شوند.

۴.۴. نظر فقها درباره شرکت وجوه

استاد عباسی خراسانی شراکت وجوه را هم صحیح می‌داند و نیاز به راه‌حل شرعی نمی‌بیند (عباسی خراسانی، پایگاه مدرسه فقهات، ۱۴۰۱). آیت‌الله مکارم شیرازی شرکت وجوه را باطل می‌داند، ولی تعریف سوم (نامی از تعریف چهارم نبوده است) و پنجم و ششم را مصداق عقد مضاربه می‌دانند (مکارم شیرازی، درس خارج آیت‌الله مکارم، ۰۲/۰۸/۹۵). ابن‌قدامه از علمای حنبلی در «المغنی» نیز این را شرکتی صحیح می‌داند (ابن‌قدامه، ۱۴۱۷: ۱۲۱/۷). اکثر فقهای حنفی و حنبلی این را شرکتی صحیح می‌دانند (جلیلی و فصیحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۹)، ولی اکثر فقهای شافعی (رافعی قزوینی، ۱۴۲۶: ۱۹۳) و مالکی و امامی اعتقاد به بطلان دارند (عتیقی، ۱۴۱۷: ۹۷؛ جلیلی و فصیحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

از میان فقهای شیعه، ابن‌زهرة در «غنیة» (ابن‌زهرة، ۱۳۷۵: ۲۶۳/۱)، حسینی سیستانی

در «منهاج الصالحین» (حسینی سیستانی، ۱۴۲۹: ۱۶۴/۲)، طباطبایی قمی در «الدلائل فی شرح منتخب المسائل» (طباطبایی قمی، ۱۴۲۴: ۳۲/۵) و طوسی در «العدة فی اصول الفقه» (طوسی، بی تا: ۳۴۷/۲) این را شرکتی باطل می‌دانند و بحرانی در «الحدائق الناضرة» و برخی گفته‌اند نظر مشهور این است که شرکت وجوه باطل است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۴: ۵۱۵/۸؛ حکیم، ۱۴۰۴: ۲۲/۱۳؛ طباطبایی یزدی، ۵۲۳/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵۹/۲۱). نجفی در «جواهر الکلام» ادعای اجماع نموده است (نجفی، ۱۹۹۸: ۲۹۸/۲۶).

فخرالمحققین حلی در «ایضاح الفوائد» (حلی، ۲۹۹/۲)، مجاهد طباطبایی در «مناهل» (مجاهد طباطبایی: ۱۸۸)، طباطبایی در «عروة الوثقی» (طباطبایی، ۲۷۷/۵)، امام خمینی در «تحریر الوسیله» (امام خمینی، ۶۲۴/۱) و آیت‌الله سیستانی در فتوای خویش (سیستانی، مسئله ۷۵۴) اگرچه این شرکت را باطل می‌دانند، گفته‌اند اگر هر یک دیگری را وکیل کند که برای خود و موکلش به نسبت معین کالایی بخرد، در این صورت هر یک بالنسبه مال خریداری شده در سود و زیان شریک هستند. امام خمینی و طباطبایی قمی امکان رسیدن به این هدف با صلح را هم مطرح کرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۴: ۶۲۴/۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۴: ۵۱۶/۵).

در میان حقوق‌دانان، بروجردی عبده و گودرزی (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۲۸؛ گودرزی، ۱۳۹۴: ۹۸) این را شرکتی صحیح می‌دانند؛ اما حائری شاهباغ (حائری شاهباغ، ۱۳۷۶: ۵۲۲/۱) و جعفری لنگرودی آن را شرکتی باطل می‌دانند، ولی جعفری لنگرودی امکان انجام چنین کاری در قالب صلح را صحیح دانسته است (لنگرودی، ۱۳۷۹: ۸۸۲).

۵. پیشنهادهای تفصیلی فقه شیعه در مورد الگوی تکافل شرکت

برای این الگو دو پیشنهاد در فقه شیعه شده است:

الگوی دورکنی:

این الگو بر اساس پیشنهاد آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی است. در آن، نحوه تعامل بین متکلفان و شرکت تکافل به صورت دورکن تعریف شده که جایگزین ساختار سه‌رکن شده است. هدف اصلی این تغییر، شفاف‌سازی مبانی قانونی و مشروعیت ارائه خدمات به متکلفان از محل منابع صندوق و نحوه توزیع مازاد حاصل از آن است (عبدالمالکی و کریمی، ۱۳۹۲: ۲۱۰). در این چارچوب، قراردادی بین متکلفان و شرکت تکافل منعقد می‌شود که اساس آن، عقد شرکت متعارف است و شرایط مربوط به جبران خسارات و سایر تعهدات به صورت شروط ضمن عقد درج می‌شود. پس از انعقاد قرارداد، متکلفان سرمایه خود را به حساب تعیین شده شرکت واریز می‌کنند؛ این وجوه به عنوان آورده و نه کمک مالی تلقی شده و برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی استفاده می‌شود. همچنین، شرکت تکافل ممکن است به عنوان شریک سرمایه‌گذار، مبالغی را به سرمایه کل اضافه کند. سرمایه جمع‌آوری شده از متکلفان و شرکت برای انجام فعالیت اقتصادی مورد توافق به کار گرفته می‌شود و از طریق این فعالیت، سودی به دست می‌آید که نحوه تقسیم آن به شرح زیر است: بخشی از سود به شرکت بابت نقش عاملیت و سهم سرمایه‌گذاری اختصاص یافته که به عنوان درآمد ناخالص شرکت ثبت می‌شود؛ بخش دیگر متناسب با سهم



سرمایه هر متکلف به آن‌ها پرداخت می‌گردد. علاوه بر این، شرکت متعهد است طبق قرارداد، خسارات وارده به متکلفان را جبران کند که شرایط مربوط به نوع، میزان و روش پرداخت خسارت‌ها در قرارداد مشخص شده است. در نهایت، درآمد خالص شرکت از کسر خسارت‌های پرداختی از درآمد ناخالص حاصل می‌شود و پس از پرداخت هزینه‌های عملیاتی شامل هزینه‌های پرسنلی، ملزومات، هزینه‌های جاری و سایر هزینه‌های مرتبط با عملیات بیمه‌گری، سود خالص نهایی تعیین می‌گردد (جلیلی، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۴).

این شرایط را برای این الگو بیان کرده‌اند (عبدالمالکی و کریمی، ۱۳۹۲: ۲۱۱):

الف) طرفین قرارداد شامل شرکت تکافل و متکلفان هستند که هر یک از متکلفان به صورت مستقل با شرکت تکافل وارد عقد می‌شوند. ب) نوع عقد پایه در این الگو، شرکت است که در آن متکلف با پرداخت سرمایه در سود حاصل از فعالیت اقتصادی شریک می‌شود. ج) شروط ضمن عقد بدین شرح است: شرکت تکافل موظف به تأسیس صندوق تبرع به منظور جبران خسارات بوده و بخشی از سرمایه تأمین شده را در این صندوق قرار می‌دهد. این سرمایه همراه با سود حاصل از سرمایه‌گذاری در فعالیت اقتصادی، به‌عنوان منبع جبران خسارات استفاده می‌شود. شرکت تکافل همچنین موظف به ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری تخصصی است تا تمامی جوانب اقتصادی، فنی و تخصصی در سرمایه‌گذاری منابع تأمین شده، شامل منابع صندوق تبرع و سایر منابع، مدنظر قرار گیرد. د) نسبت تقسیم سود باید مطابق اصول اولیه عقود مشارکتی به صورت مشاع و از پیش تعیین شده باشد؛ با توجه به نقش منابع صندوق تبرع، سهم هر یک از طرفین از سود باید به‌گونه‌ای تعیین شود که انگیزه اقتصادی کافی برای شرکت تکافل و متکلفان فراهم گردد (جلیلی، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۵؛ جلالی لواسانی، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۸).

الگوی سه‌رکنی:

این الگو بر اساس پیشنهاد آیت‌الله دکتر حسن آقا نظری است. الگوی مذکور دارای شباهت‌های قابل توجهی با ساختارهای متعارف تکافل است که شاخص‌ترین ویژگی آن، مبتنی بودن بر سه رکن اساسی شامل متکلفان، شرکت تکافل و صندوق تبرع می‌باشد. در این چارچوب، رابطه قراردادی میان متکلفان و شرکت تکافل از نوع عقد شرکت تعریف می‌شود که در آن، تعهدات مربوط به امور تأمینی، از جمله جبران خسارات، به صورت شروط ضمن عقد پیش‌بینی و تعیین می‌گردد. پس از انعقاد این قرارداد، متکلفان موظف به پرداخت وجوهی به حساب تعیین شده شرکت تکافل هستند که این وجوه به دو بخش سهم تبرعی و آورده سرمایه‌ای تقسیم می‌شود. سهم تبرعی به منزله تبرع و حمایت متکلفان جهت تأمین خسارات احتمالی بوده و آورده سرمایه‌ای به منظور مشارکت در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت تخصیص می‌یابد. شرکت تکافل به‌عنوان شریک در این فرآیند، ممکن است مبالغی را نیز به‌عنوان آورده سرمایه‌ای به سرمایه‌تجمعی اضافه نماید. تمامی منابع مالی تجمیع شده از سوی شرکت و متکلفان در نهایت توسط شرکت تکافل مدیریت می‌شود و بر اساس مفاد قرارداد، صندوقی موسوم به «صندوق تبرع» تأسیس می‌گردد که سهم تبرعی متکلفان به آن منتقل می‌شود. هدف از تأسیس این صندوق، مدیریت و حفظ منابعی است که جهت جبران خسارات وارده به متکلفان اختصاص

یافته است.

به منظور افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع مالی موجود در صندوق تبرع و نیز سرمایه‌های تجمعی، شرکت تکافل نهاد تخصصی تحت عنوان «صندوق سرمایه‌گذاری» تشکیل می‌دهد که وظیفه اصلی آن مدیریت کارآمد منابع سرمایه‌ای شرکت، متکلفان و صندوق تبرع در چارچوب مفاد قرارداد اولیه می‌باشد. صندوق تبرع با رعایت شرایط مندرج در قرارداد، مسئولیت جبران خسارات وارده به متکلفان را بر عهده دارد و از محل منابع صندوق به این مهم می‌پردازد. نتایج فعالیت‌های سرمایه‌گذاری که تحت عقد شرکت صورت می‌پذیرد، سودآوری به همراه دارد که بخشی از این سود به عنوان سهم تبرعی به صندوق تبرع بازگردانده می‌شود. منابع صندوق تبرع صرفاً برای جبران خسارات اختصاص می‌یابد و پس از رفع نیازهای مذکور، مازاد منابع بین متکلفان و شرکت تکافل به نسبت‌های تعیین شده تقسیم می‌گردد. همچنین، بخش دیگری از سود حاصله متناسب با آورده سرمایه‌ای متکلفان که به صندوق تبرع واریز شده، به آنان پرداخت شده و اصل مبالغ سرمایه‌ای مطابق ضوابط قراردادی بازپرداخت می‌شود. در این فرآیند، شرکت تکافل علاوه بر ایفای نقش عاملیت، در تأمین سرمایه نیز مشارکت داشته و در نتیجه، سهمی از سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها را به عنوان درآمد ناخالص دریافت می‌نماید. در نهایت، مازاد منابع صندوق تبرع نیز طبق قواعد از پیش تعیین شده بین متکلفان و شرکت تکافل توزیع شده و سهم شرکت تکافل به دلیل مشارکت در ایجاد و تولید این مازاد به وی تعلق می‌گیرد (جلیلی، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۷).

شرایط عمومی این الگو به شرح ذیل تعریف می‌شود: نخست آن که طرفین قرارداد را شرکت تکافل و متکلفان تشکیل می‌دهند، به طوری که هر یک از متکلفان به صورت مستقل با شرکت تکافل وارد رابطه قراردادی می‌گردد (عبدالمالکی و کریمی، ۱۳۹۲: ۲۱۳). عقد پایه در این ساختار، عقد شرکت است که طی آن، متکلف با پرداخت مبلغی به عنوان سرمایه در سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی شریک می‌شود. ضمن عقد مذکور، شروطی خاص پیش‌بینی می‌گردد که از آن جمله الزام شرکت تکافل به تأسیس صندوق تبرع است؛ این صندوق با هدف جبران خسارات ایجاد شده و تخصیص بخشی از مجموع سرمایه تأمین شده به آن تشکیل می‌شود (عبدالمالکی و کریمی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). منابع مالی این صندوق همراه با سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در چارچوب فعالیت‌های اقتصادی مربوط، به عنوان منبع تأمین خسارات موردنظر به کار گرفته می‌شود. علاوه بر آن، شرکت تکافل مکلف است صندوق سرمایه‌گذاری تخصصی را نیز جهت مدیریت همه‌جانبه منابع سرمایه‌ای تأسیس نماید؛ این صندوق موظف است تمامی ابعاد اقتصادی، فنی و تخصصی سرمایه‌گذاری منابع مالی شامل منابع صندوق تبرع و سایر وجوه را به طور دقیق مدنظر قرار دهد. نسبت تقسیم سود میان طرفین قرارداد بر اساس اصول بنیادین عقود مشارکتی تعیین می‌شود که به صورت مشاع و از پیش مشخص شده است. با این وجود، با توجه به نقش منابع اولیه صندوق تبرع در سرمایه‌گذاری، سهم سود هر یک از طرفین باید به نحوی تنظیم گردد که انگیزه اقتصادی کافی برای شرکت تکافل و همچنین متکلفان فراهم آید و بدین ترتیب عدالت و توازن در مشارکت و بهره‌مندی طرفین تأمین شود (جلیلی، ۱۳۹۳: ۶۷-۶۸).

جلالی لواسانی، ۱۳۹۸: ۱۴۸).

نتیجه‌گیری

عقد شرکت یکی از عقود معتبری است که از سوی فقهای امامیه به‌عنوان بنیایی برای انجام عملیات بیمه مطرح شده و در این زمینه الگوهای متعددی توسط آنان تحریر و تبیین شده است. بر اساس نظر فقهای امامیه، بیمه می‌تواند به‌عنوان یک نوع شرکت تلقی شود و حتی برای نحوه اجرای این قرارداد، مدل‌های مشخص و متنوعی ارائه شده است. نخستین توضیح دقیق و منسجم درباره چگونگی انجام عملیات بیمه بر اساس عقد شرکت، توسط حضرت امام خمینی در کتاب «مسائل مستحدثه» (تحریر الوسیله) ارائه گردید که نقش تعیین‌کننده‌ای در بسط و فهم این موضوع داشت. در این راستا، آیت‌الله عباسی خراسانی معتقد است که تمامی انواع شرکت از حیث صحت، عقدی صحیح بوده و بنابراین می‌توان بیمه را در قالب هر سه نوع شرکت (شرکت عنان، شرکت وجوه و شرکت مفوضه) به‌عنوان الگوی عملیاتی مورد استفاده قرار داد. این نظر نسبت به سایر دیدگاه‌ها جامع‌تر و فراگیرتر است، اما باید توجه داشت که اکثریت فقهای امامیه تنها شرکت عنان را به‌عنوان نوع صحیح شرکت قبول دارند؛ از این رو، الگوهای مبتنی بر دو نوع شرکت دیگر از دایره قبول آنان خارج می‌شود. از میان مدل‌های مختلف شرکت، پیشنهاد استفاده از الگوی شرکت مفوضه به‌عنوان الگوی عملیاتی بیمه، از کمترین احتمال صحت برخوردار است؛ زیرا این الگو علاوه بر تفاوت‌هایی که با عقود مشابه در فقه اهل سنت دارد، از نظر عملی و حقوقی نیز چالش‌هایی در تبیین و اجرا دارد که باعث می‌شود این الگو چندان مورد اقبال شرکت‌ها نباشد.

با این حال، نظر برخی مراجع بزرگوار مانند آیت‌الله دوزدوزانی و حضرت امام خمینی مبنی بر صحت بیمه طبق عقد شرکت، و همچنین تحریر الگوهای عملیاتی دقیق توسط فقهای همچون آیت‌الله شاهرودی و آقانظری، گواهی بر این است که الگوی شرکت می‌تواند به‌عنوان یکی از الگوهای مورد قبول و قابل استناد در زمینه تکافل در ایران مطرح باشد. این امر نه تنها از حیث فقه امامیه قابل دفاع است، بلکه مطابق با نظر فقهای اهل سنت نیز شرکت‌هایی از این دست صحیح و معتبر شناخته می‌شوند که بدین ترتیب نوعی وفاق فقهی میان مذاهب مختلف اسلامی در این خصوص ایجاد می‌کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد الگوی شرکت نسبت به سایر الگوهای موجود، مانند الگوی وقف که غالباً به‌عنوان الگویی محدود به اهل سنت شناخته می‌شود، از جامعیت و کارایی بیشتری برخوردار است و می‌تواند در سطح جامعه ایران و سایر جوامع اسلامی مورد استقبال و پذیرش بیشتری قرار گیرد.

منابع فارسی و عربی

۱. اعتصامی، سید امیرحسین؛ شریف‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۲). «مدیریت عقود مشارکتی بانک‌ها براساس الگوی تکافل اصناف»، اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۳۱-۱۵۹.

۲. آقامهدوی، اصغر؛ اسمعیلی گیوی، حمیدرضا؛ کاونند، مجتبی (۱۳۸۸). «بررسی

- الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)، «جستارهای اقتصادی، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۲۱-۱۴۸.
۳. امیرپور، حیدر (۱۳۹۷). «بررسی مبانی فقهی و حقوقی بیمه تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه»، دانش حقوق مدنی، سال ۷، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۱-۲۳.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، بیروت: دارالأضواء.
۵. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی، تهران: گنج دانش.
۶. پریزاد، رضا؛ شکوری، زهرا (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری نظام بیمه تکافل در صنعت بیمه ایران و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش ملل، شماره ۷۳، صص ۴۹-۶۹.
۷. تکافل (۲۰۲۵). پایگاه ویکی شیعه.
۸. جلالی لواسانی، احسان (۱۳۹۸). طراحی مدل گذار از بیمه متعارف به بیمه اسلامی با تأکید بر ساختار بیمه زندگی در صنعت بیمه جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه عدالت، گروه اقتصاد، رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد پولی، استاد راهنما: دکتر محمد مهدی عسگری.
۹. جلیلی، عباس (۱۳۹۳). مبنای مشروعیت بازتوزیع مازاد صندوق تکافل در فقه و حقوق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات - فقه و مبانی حقوق، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور (مرکز تهران جنوب)، استاد راهنما: دکتر محمدحسن شیبانی‌فر.
۱۰. جلیلی، مهدی؛ فصیحی‌زاده، علیرضا؛ طباطبایی، سید محمدصادق؛ محمدی، میثم (۱۴۰۰). «تحلیل فقهی - حقوقی صحت یا عدم صحت شرکت مفوضه در فقه مذاهب اسلامی»، فقه مقارن، سال نهم، شماره ۱۸، صص ۲۰۱-۲۲۲.
۱۱. جوادی‌پور، احمد و همکاران (بی‌تا). مروری بر تکافل، تبیین وجوه اشتراک، افتراق و الزامات پیاده‌سازی، پژوهشکده بیمه.
۱۲. حائری شهاباغ، سید علی (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی، تهران: گنج دانش.
۱۳. حبیبی، مرجان (۱۴۰۲). «ویژگی‌ها، عوامل و موانع مؤثر بر پذیرش تکافل در صنعت بیمه با رویکرد داده‌بنیاد»، اقتصاد اسلامی، ۲۳(۹۲)، صص ۱۶۳-۱۹۳.
۱۴. حکیم، سید محسن (۱۴۰۴ق). مستمسک العروة الوثقی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۵. خامنه‌ای، محمد (۱۳۵۹). بیمه در حقوق اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۱۶. رازی، علی بن مکی (۱۴۲۸ق). خلاصة الدلائل فی تنقیح المسائل، ریاض: مكتبة الرشد.
۱۷. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۲۶). المحرر فی فقه الامام الشافعی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. رضوی اقدم، سارا (۱۳۸۶). «دنیای مملو از تکافل»، تازه‌های جهان بيمه، شماره ۱۱۱.
۱۹. شهید ثانی (۱۴۱۴ق). مسالك الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۰. صالحی، نعيمه السادات (۱۳۹۴). بررسی فقهی حقوقی الكفوى مطلوب تکافل در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده آموزش‌های الکترونیکی، استاد راهنما: دکتر محمد مهدی عزیزاللهی.
۲۱. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۴ق). الدلائل فی شرح منتخب المسائل، قم: کتابفروشی محلاتی.
۲۲. عباسی خراسانی (۱۴۰۱). پایگاه مدرسه فقاها.ت.
۲۳. عرفانی، توفیق (۱۳۷۱). قرارداد بيمه در حقوق اسلام و ایران، تهران: انتشارات کیهان.
۲۴. کیخا فرزانه، محمدمامین؛ اسماعیلی، محسن؛ عسکری، محمد مهدی (۱۳۹۴). «تکافل خانواده در قالب الكفوى وکالت از دیدگاه فقه امامیه، عامه و حقوق ایران»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۸(۱)، صص ۱۲۳-۱۵۲.
۲۵. گودرزی، سیاوش؛ علمی سوال، محمدرضا (۱۳۹۴). «بازخوانی فقهی حقوقی شرکت‌های اعمال، مفاوضه و وجوه»، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۲.
۲۶. محمدی مهر، محمدحسن (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی نظام بيمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. معصوم‌بالله، مهدی (۱۳۸۹). تکافل کاربردی و بيمه مدرن، ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۸. معلوف، لویس (۱۳۸۰). المنجد، ترجمه مصطفی حیمیر اردستانی، تهران: صبا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵). درس خارج آیت‌الله مکارم، ۰۲/۰۸/۹۵.
۳۰. میرزایی، حبیب؛ میرزاخانسی، آتوسا (۱۳۸۴). «مفهوم و چشم‌انداز بيمه اسلامی»، آسیا، شماره ۳۴، صص ۳۱-۶۱.
۳۱. ناطق گلستان، احمد؛ عباس‌پور، رضا (۱۳۹۱). «فقه و تاریخ تمدن»، سال نهم، شماره ۱، صص ۲۰۳-۲۳۱.

۳۲. نووی، یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المذهب، مدینه: المكتبة السلفية.
۳۳. نیازی توندرد، عیسی (۱۳۹۴). آسیب شناسی مدل های تکافل و ارائه الگوی بهینه با تکیه بر فقه امامیه در جهت منافع ذینفعان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی، گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، استاد راهنما: دکتر محمدمهدی عسگری.
۳۴. همتی، مهدی؛ حسنی، علیرضا؛ طاهری، محسن (۱۴۰۰). «بررسی تحلیلی بیمه اتکایی عمر و تکافل خانواده از منظر فقه و حقوق موضوعه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴.
۳۵. ویسی، حسین (۱۳۹۸). بررسی فقهی-اقتصادی مدل های مختلف تکافل و ارائه مدل بهینه (کاربردی) برای اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، استاد راهنما: دکتر محمدمهدی عسگری.

منابع انگلیسی

1. Islamic Insurance And Development in Türkiye", Journal", (۲۰۲۱). ner, M.H .
of Erciyes University Faculty of Economics and Administrative Sciences ۵۸-۳۵, ۵۸.
2. "Participation Insurance in the Financial Markets" (۲۰۲۵) Umut, Muharrem .
۳۸th RSEP International Conference on Economics in Türkiye". In Proceedings of the
Ankara: ۳۱-۳۰ Finance and Business, Atana Hotel, Dubai, UAE ,۲۰۲۵ January .۶۵
:RSEP Conferences. ISBN ۹-۳-۹۷۵۶۶-۶۲۵-۹۷۸.
3. Islamic Banking, Finance & Insurance - A (۲۰۰۶) Salahuddin, Ahmad .
.Global Overview, Gombak, Kuala Lumpur
4. Matsawali, M. S., Abdullah, M. F., Yeo, C. P., Abidin, S. Y., Zaini, M. M.,
A study on Takaful and conventional insurance" (۲۰۱۲) .Ali, H. M., ... & Yaacob, H
,preferences: The case of Brunei", International Journal of Business and Social Science
(۲۲)۳.
5. "Development of takaful industry in Turkey:" (۲۰۲۲) .Sh bu, A. A., & Kahf, M .
.۶۶-۴۸,(۲)۲,challenges and Prospects", Journal of Islamic Economics
6. Islamic Insurance, Trends, Opportunities & the Future (۲۰۰۷) Jaffer, Soheil .
.of Takaful, Euromoney Books